



گزارش

آپارتاید و سیاست‌های نژادپرستانه در آمریکا

شماره: ۱۶۷

تیر ماه ۹۹

رصدخانه روابط بین الملل

سخنی با خوانندگان:

رصد مداوم و تجزیه و تحلیل آخرین رویدادها در عرصه بین الملل برای ایجاد شناخت، روند شناسی و برنامه ریزی صحیح از جمله نیازهای ضروری است.

بدین منظور گروه رصدخانه روابط بین الملل مجمع جهانی صلح اسلامی این مهم را در دستور کار خود قرار داده و بخشی از آن را به صورت موردی با عنوان ترجمان روز منتشر می نماید.

هرگونه مساعدت و همفکری در جهت افزایش غنای این گزارش های خبری و تحلیلی مزید امتنان است.

بدیهی است طرح گزارش ها و تحلیل ها گرایشی نبوده و به عنوان نظر رسمی این مجمع نیز تلقی نمی گردد.

از آنجا که این گزارش صرفاً برای تعدادی از مسئولان و مدیران انتشار می یابد، بهره برداری، انتشار و کپی برداری از مطالب با هماهنگی این

مجمع مجاز خواهد بود. تلفن: ۸۸۵۳۸۲۴۸ ایمیل: iwpcf2008@gmail.com — آدرس تلگرامی و سروش: @iw_peace

آپارتاید و سیاست‌های نژاد پرستانه در آمریکا



مقدمه

باید بر این نکته اذعان داشت که همواره آمریکا خود را حامی حقوق بشر به جهانیان معرفی می‌کند و موارد نقض حقوق بشر در سایر کشورها را از زاویه منافع ملی خود به سایر ملل گوشزد می‌کند، اما در عمل خود یکی از نقض‌کنندگان فاحش حقوق بشر به شمار می‌آید. آمریکا با کارنامه‌ای آکنده از جنایت علیه بشریت و نقض حقوق بشر در داخل و خارج این کشور خود را محکمی برای سنجش حقوق بشر در کشورهای دیگر می‌داند و با همین سنگ محک کشورهای غیرهمسو با سیاست‌های واشنگتن را به نقض حقوق بشر متهم می‌کند. هیچ کشوری در جهان معاصر وجود ندارد که بخشی از فهرست بلند رفتارهای ضد انسانی دولت آمریکا نباشد.

این بار اعتراض به کشته شدن «جورج فلوید» مرد سیاهپوستی که چند روز پیش قربانی خشونت نژادپرستانه پلیس شهر «مینیاپولیس» ایالت مینه‌سوتا شد، گویای آن است که در ایالات متحده به وضوح مشکلات سیستماتیک بسیاری در زمینه حقوق بشر، روی هم انباشته شده است.

احترام به نژاد، زبان، فرهنگ، دین و قومیت در کنار تأمین صلح، امنیت و عدالت، در زمره حقوق اساسی و اولیه انسانها به شمار می‌رود که قابل نقض نیست و هیچ انسان آزادی‌خواه و نوع دوست نمی‌تواند نقض آن را برتابد و تحمل کند. با این وجود شاهد هستیم که نژادپرستی و نقض حقوق اقلیت‌ها همواره در آمریکا وجود داشته است. کشوری که در آن همه امتیازات و مزایا تنها به سفیدپوستان داده می‌شد و رنگین‌پوستان از این حقوق محروم بودند و از همین رو تعداد زیادی از موسسات اصلی آمریکا بر پایه نژادپرستی و جدایی و تبعیض نژادی و بازداشت بومیان سرخ پوست و بنا شده است.

هرچند بحث تبعیض نژادی به شکل رسمی در اواسط قرن بیستم لغو و از نظر اجتماعی و اخلاقی کاملاً غیرقابل قبول تلقی شد؛ اما هنوز هم نژادپرستی و نمادهای آن صراحتاً خود را در عدم برابری اجتماعی و اقتصادی شهروندان آمریکایی نشان می‌دهد.

البته ناگفته نماند خشونت‌های پلیس و کشتار افراد سیاه‌پوست در آمریکا موجب ایجاد اعتراضات گسترده در این کشور و به راه افتادن کمپین‌های گوناگون مانند «زندگی سیاه‌پوستان اهمیت دارد» شده است، اما تنش میان پلیس و سیاه‌پوستان در آمریکا موضوع جدیدی نیست.

در پی این حادثه، و پخش فیلم مربوط به آن، احساسات مردم جریحه‌دار شد. در ابتدا اعتراضات و تظاهراتی در شهر مینیاپولیس بر پا شد. پس از آنکه تظاهرات به درگیری‌های خشونت‌آمیز کشیده شد و پاسگاه اصلی پلیس در شهر مینیاپولیس به آتش کشیده شد، نیروهای گارد ملی ایالات متحده به این شهر اعزام شدند. اما اعتراضات از سطح شهر مینیاپولیس در ایالت مینه‌سوتا به سرعت به ایالت‌های دیگر تسری یافت. در کمتر از ۴ روز، بیش از ۱۳۰ ایالت آمریکا شاهد تظاهرات گسترده مردم علیه نژادپرستی و قتل سیاه‌پوستان به دست مأموران پلیس شد. تظاهرات در نقاطی به خشونت گرایید و در برخی شهرها مقررات منع رفت و آمد شبانه اعلام شد. تصاویر تلویزیونی نشان داد که تظاهرات کنندگان در راهپیمایی‌های خود پلاکاردهایی با عنوان «آیا من بعدی هستم؟»، «نمی‌توانم نفس بکشم» و «صلح بدون عدالت نیست» حمل می‌کردند. تمامی شعارهایی که در این اعتراضات چه سفیدپوستان و چه سیاه‌پوستان سر می‌دادند این بود که "عدالت نیست، صلح نیست" و این شعارها در تمامی کشورهای واشنگتن، برلین، لندن و پاریس و ... پی در پی داده می‌شد. باید بر این نکته اذعان داشت که این شعارها چیزی که سال‌ها توسط نخبگان مسلمان و ایرانی در قالب یک گفت‌وگو بین‌المللی و جهانی بر گرفته از آموزه‌های اسلامی پیگیری می‌شود و مجمع جهانی صلح اسلامی به عنوان یک سازمان مردم‌پایه اسلامی، از طریق ارتباط‌گیری با نخبگان و تبدیل آن به یک گفت‌وگو نخبگی، به تدریج آن را به لایه‌های فکری و مطالبات عمومی جوامع مختلف مطرح کرده و امروز به عنوان یک مطالبه عمومی در جای‌جای جهان شاهد تکرار شعار صلح مبتنی بر عدالت در جمع‌های بزرگ راهپیمایی و اعتراضی علیه تبعیض

و نابرابری هستیم و این موجب احیای واژه عدالت در گفت‌وگوهای اجتماعی شده است.

واقعیت این است که بدون توجه به عدالت امکان تحقق صلح پایدار و واقعی وجود ندارد، و اگر در مناطقی از جهان شاهد آرامش هستیم، در واقع بی‌عدالتی‌ها تبدیل به نارضایتی‌ها و امکان بروز و ظهور پیدا نکرده است.

نمونه این وضعیت، بروز اعتراضات عدالت‌خواهانه و ضد نژادپرستی و تبعیض در آمریکا است. تا دیروز سران آمریکا گمان می‌کردند که کشورشان از یک ساحل آرام و توأم با صلح پایدار برخوردار است و چشم روی نارضایتی‌های مردم از بی‌عدالتی‌ها و نبود صلح واقعی بر مبنای عدالت بسته بودند، حال آنکه به جرعه‌ای، خشم و نفرت مردم از ناامنی و بی‌عدالتی غلیان کرد و شاهد حضور میلیون‌ها انسان معترض در خیابان‌ها علیه، این به اصطلاح صلح‌پایداری هستیم که غرب مدعی بشر دوستی و مهددموکراسی با آن مواجه شده است. این همان حقوق بشر آمریکایی است که با مرگ جورج فلویید نقاب از چهره انداخت و عریان دیده شد.

این جریان نشان می‌دهد که تا زمانی که عدالت محور و مبنای صلح قرار نگیرد، امکان تحقق صلح وجود نخواهد داشت و آرامش ظاهری نمی‌تواند نشان از یک صلح ماندگار باشد.

نگاهی به شعارهای معترضین به تبعیض نژادی در آمریکا و اروپا، همسانی آنها را با این گفت‌وگو و شعار اسلامی نشان می‌دهد و این یک حقیقت است که با آرام‌سازی ظاهری، نمی‌تواند امنیت درونی انسان‌ها را برآورده ساخت و به آن صلح واقعی را ارزانی کرد، بلکه آنچه مشکل جوامع انسانی را در جهان می‌تواند به صورت ریشه‌ای حل و فصل نماید، صلح بر محور عدالت است.

تاریخ نژادپرستی در آمریکا



نژادپرستی در آمریکا دارای ریشه تاریخی است و به دوره استعمار باز می‌گردد. در آن دوره امتیازات و حقوقی در

حوزه‌های قانونی و اجتماعی برای سفیدپوستان آمریکایی قائل

می شدند که به دیگر گروه های نژادی تعلق نمی گرفت. آمریکایی هایی که از اروپا آمده بودند، بویژه نژادهای سفید آنگلوساکسونی پروتستان بیشترین امتیاز را برای خود می دانستند و در حوزه های آموزش، مهاجرت، حق رای، حقوق شهروندی، تصاحب زمین و فرایندهای قضایی در اولویت قرار می گرفتند. حتی مهاجران سفید اروپایی که کاتولیک بودند و از کشورهای نظیر ایرلند، لهستان و ایتالیا به آمریکا می آمدند، از آن امتیازات برخوردار نبودند. این سفیدپوستان تا اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم توانستند به برخی از امتیازات آنگلوساکسونی ها دست یابند.

اما تبعیض برای دیگر اقوام غیرسفیدپوست که تقریباً از قرن هفدهم آغاز شده بود تا دهه ۱۹۶۰ ادامه داشت. براساس قانون جیم کرو (Jim Crow Laws) با عنوان قانون "جدا اما برابر" (separate but equal) که بین سالهای ۱۸۷۶ تا ۱۹۶۵ در در ایالت های مرزی و جنوبی آمریکا به اجرا درآمد، همه اماکن عمومی برای سیاهپوستان و سفیدپوستان جدا شد. مدارس دولتی، اتوبوس، قطار و حتی پارک ها جدا شد. در دهه ۱۹۵۰، جنبش سیاهپوستان علیه تبعیض نژادی به حرکت درآمد. اما حادثه بمبگذاری کلیسای خیابان شانزدهم در شهر بیرمنگهام ایالت آلاباما متعلق به آمریکایی های آفریقایی تبار، و جدان افکار عمومی در سراسر جهان را به درد آورد و فشارها برای رفع تبعیض نژادی در آمریکا تشدید شد. این حادثه یک نقطه عطف در تاریخ نژادپرستی در آمریکا محسوب می شود. در ۱۵ سپتامبر سال ۱۹۶۳، گروه نژادپرست کو کلاکس کلان در یک اقدام تروریستی این کلیسا را منفجر کردند که در نتیجه آن چهار نوجوان سیاهپوست کشته شدند. این حادثه تنها چند هفته بعد از تظاهرات بزرگ سیاهان به رهبری مارتین لوتر کینگ در واشنگتن رخ داد.

مدت کوتاهی بعد از این حادثه بود که قانون حقوق مدنی ۱۹۶۴ تصویب شد و قانون جیم کرو به طور کلی ملغی شد. اما با تصویب این قانون، مسئله نژادپرستی در آمریکا به پایان نرسید به عنوان مثال در برخی ایالت های آمریکا، ازدواج میان نژادی

ممنوع بود. در سال ۱۹۶۷ میلرد لاونینگ، یک زن سیاهپوست و ریچارد لاونینگ یک مرد سفید در ویرجینیا به دلیل اینکه با یکدیگر ازدواج کرده بودند، به یک سال زندان محکوم شدند. چرا که آنها قانون همگرایی جنسیتی سال ۱۹۲۴ (Racial Integrity Act of 1924) را که در آن هر نژادی باید با هم نژاد و هم طبقه خود ازدواج می کردند، نقض کرده بودند. این مسئله به قدری در افکار عمومی بویژه در میان رنگین پوستان بازتاب داشت که در نهایت دیوان عالی آمریکا در سال ۱۹۶۷ قانون همگرایی در ازدواج را فاقد اعتبار دانست. با وجود لغو قوانین نژادپرستانه، دستگاه های اجرایی آمریکایی همچنان رفتارهای تبعیض آمیز با رنگین پوستان داشتند. به عنوان مثال از سال ۱۹۸۱ تا ۱۹۹۷، وزارت کشاورزی آمریکا علیه هزاران کشاورز سیاهپوست تبعیضاتی قائل می شد، آنها را از دریافت وام هایی که کشاورزان سفیدپوست دارای شرایط مشابه از آن برخوردار بودند، محروم می کرد.

برخی از مردم آمریکا پیروزی باراک اوباما در انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۰۸ را به عنوان طلیعه و نمادی برای پایان نژادپرستی در آمریکا می دانستند. با وجود این، همه شاخص ها در دو دوره ریاست جمهوری اوباما نشان می داد که نژادپرستی در این کشور نه تنها کاهش نیافت بلکه حتی ریاست جمهوری اوباما، منجر به سازمان یافته تر شدن نژادپرستان و به راه افتادن جنبش های دست راستی سفیدپوست شده است. حادثه ماه اوت ۲۰۱۷ در شارلوتسویل اوج نژادپرستی در آمریکا بود که سفیدپوستان آنگلوساکسونی، خواستار اخراج همه اقلیت ها از آمریکا شدند. در نتیجه این تظاهرات خشونت آمیز یک نفر کشته و ۱۹ نفر دیگر مجروح شدند.

ترکیب نژادی در آمریکا

در آمریکا تقریباً شش گروه نژادی وجود دارد که عبارتند از



سفیدپوستان آمریکایی، هیسپانیک ها، آمریکایی های آفریقایی تبار، آمریکایی های آسیایی تبار، بومیان آمریکا و

سایرین. در تقسیم‌بندی نژادی، آمریکایی‌های سفید، شامل اروپایی‌ها و سفیدپوستان عرب و ایرانی نیز می‌شوند که براساس آخرین

سرشماری در آمریکا که در سال ۲۰۱۰ انجام شده است، ۷۲ درصد جمعیت این کشور را در بر می‌گیرند. سرشماری بعدی قرار است در سال ۲۰۲۰ انجام شود و سیاهپوستان با ۱۲,۷ درصد دومین قومیت را داشتند. در دسته بندی دیگری از جمعیت با عنوان هیسپانیک‌ها و غیرهیسپانیک‌ها، مشخص شد این گروه نژادی حدود ۱۷,۸ درصد جمعیت آمریکا را تشکیل



می‌دهند. مهاجرت و همچنین نرخ مولید در هیسپانیک‌ها را به بزرگترین اقلیت نژادی در آمریکا تبدیل کرده است. میزان مولید در میان بومیان آمریکا نیز روبه رشد است. به طوری که در سرشماری سال ۲۰۱۰ مشخص شد که تعداد بومیان آمریکا به چهار و نیم میلیون رسیده است که بالاترین میزان از زمان تاسیس آمریکا در سال ۱۷۷۶ بوده است.

جدول زیر ترکیب جمعیتی آمریکا براساس آخرین سرشماری در سال ۲۰۱۰ را نشان می‌دهد.

نابرابری نژادی در آمریکا

در اصطلاح جامعه‌شناسی منظور از مفهوم بی‌عدالتی اجتماعی، توزیع نابرابر قدرت، منابع و فرصت‌های اقتصادی است که برخی ادعا می‌کنند در آمریکا ریشه‌ای سیصد ساله دارد. شکاف ثروت میان سفیدپوستان و سیاهپوستان در آمریکا بسیار گسترده است. در حالی که از هر سه سفیدپوست در آمریکا یکی از آنها صاحب خانه است، این رقم برای سیاهپوستان، یک نفر در هر ده نفر است. تبعیض نژادی در زمینه بهداشت از دیگر معضلات اجتماعی در آمریکاست. نتایج

تحقیق مؤسسه سلامت در سال ۲۰۰۳ نشان می‌دهد که آمریکایی‌ها با توجه به نژاد و مذهبی که دارند، خدمات متفاوتی دریافت می‌کنند. تقریباً دو سوم هیسپانیک‌ها یعنی حدود ۱۵ میلیون نفر در آمریکا بیمه نیستند. دو سوم سیاهپوستان یعنی حدود شش میلیون نیز از بیمه سلامتی برخوردار نیستند. نابرابری نژادی در آمریکا در زمینه‌های آموزشی نیز مشهود است. در آمریکا نرخ مرگ و میر کودکان سیاه دو برابر کودکان سفید است. براساس آمار از هر هزار کودک سیاهپوست، سالانه ۱۱,۳ کودک می‌میرند که تقریباً چهار هزار کودک در سال هستند. اما از هر هزار کودک سفیدپوست، ۴,۹ درصد می‌میرند. جان مادران سیاه نیز سه تا چهار برابر جان مادران سفیدپوست در خطر است. مهاجران شرق آسیا و لاتین تبارها نیز از اقوامی هستند که با نژادپرستی سیستماتیک در آمریکا مواجه هستند. از لحاظ مذهبی نیز مسلمانان و بودایی‌ها با رفتارهای تبعیض آمیز مواجه هستند. اروپایی‌های غیرپروtestان هم با تبعیض سیستماتیک در آمریکا مواجه هستند. کاتولیک‌هایی که در قرن نوزدهم وارد آمریکا شدند، با اذیت و آزارهای شدید هم در میان مردم و هم از سوی نهادهای اجرایی مواجه شدند.

پلیس آمریکا نیز رفتار تبعیض آمیزی اعمال می‌کند. جنبش زندگی سیاهان اهمیت دارد، در واکنش به رفتار بی‌رحمانه پلیس آمریکا با اقلیت‌های نژادی بویژه سیاهپوستان شکل گرفت. براساس مطالعه انجام شده توسط دانشگاه سلامت عمومی در بوستون، درجه‌ای از نژادپرستی ساختاری در پلیس آمریکا وجود دارد. یک جوان سیاهپوست آمریکایی ۲۱ بار بیشتر از یک جوان سفیدپوست همسن خودش در معرض کشته شدن توسط پلیس است. سیاهان آمریکایی، پلیس این کشور را به عنوان نماد تبعیض و نابرابری در سیستم قضایی، بیکاری، آموزش و مسکن می‌دانند. شورش‌های فرگوسن که بعد از کشته شدن مایکل براون یک سیاهپوست نوجوان آمریکایی در سال ۲۰۱۴ رخ داد، مصداق عینی رفتار ظالمانه پلیس آمریکا با سیاهپوستان است. در سیستم سیاسی آمریکا نیز

نژادپرستی، کاملاً آشکار است. ساختار انتخاباتی «همه چیز برای فرد برنده است» در ۴۸ ایالت از پنجاه ایالت آمریکا اجرا می شود. اکثریت اعضای الکتروال کالج سفیدپوست هستند. اعضای کنگره نیز اکثراً سفیدپوست هستند و تناسبی با جمعیت نژادی آمریکا ندارند. به عنوان مثال در حالی که چهارده درصد آمریکا سیاهپوست و ۱۷ درصد هیسپانیک هستند، اما در کنگره سال ۲۰۱۶، آمریکایی های آفریقایی تبار، ۸٫۷ درصد کنگره و لاتینی ها تنها هفت درصد اعضای کنگره را تشکیل می دادند.

نشریه مرکز امریکن پراگرس (Center for American Progress) با نگاهی به تبعیض های نژادی نهفته در دستگاه قضایی آمریکا به بیان ۱۰ واقعیت تکان دهنده درباره وضع رنگین پوستان و دستگاه قضایی این کشور پرداخته و نوشته است: امروز، مردم رنگین پوست بیش از سفیدپوستان در معرض تبعیض در حوزه های مختلف قرار دارند؛ پلیس آنها را بیش از دیگران مورد بازرسی و بازجویی قرار می دهد و تعداد رنگین پوستانی که به اعدام محکوم می شوند، بیشتر است. این ده واقعیت بدین قرار هستند:

نخست اینکه رنگین پوستان حدود ۳۰ درصد جمعیت آمریکا را تشکیل میدهند اما شصت درصد زندانیان از میان آنهاست. از سال ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۵ جمعیت زندانها ۷۰۰ درصد افزایش یافته است. این رقم از نسبت های جمعیت و جرائم نیز پیش افتاده است. از هر پانزده مرد آمریکایی آفریقایی تبار و ازهرسی و شش لاتین تبار یک نفر به زندان میافتند در حالیکه برای مردان سفیدپوست این نسبت یک درصد و شش نفر است.

دوم آنکه براساس آمار اداره آمار ایالات متحده، از هر سه مرد سیاهپوست، یک نفر باید انتظار داشته باشد که در طول دوران حیات خود به زندان برود. احتمال اینکه سر و کار رنگین پوستان به دستگاه های قضایی و اجرایی بیفتد، خیلی زیاد است. طبق گزارش وزارت دادگستری، احتمال اینکه سیاهان و لاتین تبارها حین رانندگی متوقف و بازرسی شوند، سه برابر بیشتر از سفید پوستان است. همچنین احتمال این که آمریکایی های

آفریقایی تبار بازداشت شوند، دو برابر بیشتر و احتمال اینکه از زور علیه آنها استفاده شود، چهار برابر است.

سوم اینکه دانش آموزان رنگین پوست بیش از هم کلاسی های سفیدپوست خود در معرض تنبیه و مجازات قرار دارند و این به افزایش بازداشت میان دانش آموزان رنگین پوست منجر شده است. دانش آموزان سیاهپوست و لاتین تبار بیش از هفتاد درصد بازداشت های مرتبط با مدارس یا ارجاعات به دستگاه قضایی را تشکیل می دهند.

چهارم اینکه، طبق تازه ترین اطلاعات و گزارش وزارت آموزش، دانش آموزان آفریقایی تبار اغلب بیش از دیگر همکلاسی های سفیدپوست خود بازداشت می شوند. طبق این گزارش، در سال تحصیلی ۲۰۰۹-۲۰۱۰ نودوشش هزار دانش آموز بازداشت شده و ۲۴۲ هزار نفر به دستگاه قضایی ارجاع داده شده اند. از این تعداد، بیش از هفتاد درصد، سیاهپوست و لاتین تبار بوده اند. تنبیهات سخت در مدارس از تعلیق تا بازداشت، باعث شده است شمار نوجوانان رنگین پوست که سروکارشان به دستگاه قضایی میافتد، به طور قابل ملاحظه ای افزایش یابد.

پنجم اینکه، در صد نوجوانان آفریقایی تبار زندانی بیش از جوانان سفید پوست است و احتمال اینکه وارد زندان بزرگسالان شوند، زیادتر است. اگرچه این نوجوانان شانزده درصد کل جمعیت نوجوانان آمریکایی را تشکیل میدهند اما ۳۷ درصد موارد در دادگاه های جنایی به این گروه تعلق دارد.

ششم آنکه، در سه دهه گذشته، شمار زنان زندانی تا ۸۰۰ درصد افزایش یافته است که اکثرشان زنان رنگین پوست هستند. در حالی که شمار زنان زندانی نسبتاً پایین است، میزان نابرابری های قومی و نژادی تکان دهنده است. زنان آفریقایی تبار سه برابر بیشتر از زنان سفیدپوست به زندان می روند. زنان لاتین تبار نیز در مقایسه با زنان سفیدپوست ۶۹ درصد بیشتر به زندان می روند.

هفتم اینکه، مبارزه با مواد مخدر نیز اساساً در محلات و جوامع رنگین پوستان جریان دارد. به گفته دیده بان حقوق بشر، اقلیت

های رنگین پوست بیشتر از سفیدپوستان مواد مخدر مصرف یا خرید و فروش نمی کنند اما میزان دستگیری ها میان آنها بیشتر است. آفریقایی تبارهای آمریکا چهارده درصد مصرف کنندگان مواد مخدر را به خود اختصاص می دهند اما سی و هفت درصد کسانی که در این رابطه دستگیر می شوند، سیاهپوست هستند. از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۷، حدود یک نفر از سه نفر در ۲۵,۴ میلیون بزرگسالی که در رابطه با مواد بازداشت شدند، آفریقایی تبار بودند.

هشتم اینکه متهمان سیاهپوست وقتی بازداشت میشوند احکام طولانی مدت می گیرند. کمیسیون صدور احکام آمریکا میگوید، در سیستم فدرال، مجرمان سیاهپوست حکم هایی دریافت میکنند که ده درصد طولانی تر از احکام صادر شده برای سفیدپوستان با همان جرم است.

نهم آنکه قوانین انتخاباتی که افراد دارای سوابق کیفری از رای دادن محروم می کند، بیشتر، مردان رنگین پوست را تحت الشعاع قرار می دهد. آن طور که برآورد می شود، پنج و سه دهم میلیون آمریکایی به علت پیشینه کیفری حق رای دادن ندارند. این محرومیت در نتیجه نابرابریهای نژادی شدیدتر می شود و در نهایت سیزده درصد مردان آفریقایی تبار حق رای دادن ندارند.

و دهم اینکه، مطالعات نشان می دهد رنگین پوستان بعد از آزادی از زندان نیز با تبعیض در میزان دست مزد روبرو هستند. مدت حبس در این خصوص تاثیر گذار است و برای مردان و زنان سیاهپوست بیشتر از سفیدپوستان است. تعدادی از ایالت ها کار کردن افراد دارای محکومیت های خاص را در صنایع بهداشت عمومی مانند پرستاری، مراقبت از کودک و مراقبت های بهداشتی در خانه منع کرده اند. در این خصوص نیز بیشترین تاثیر بر رنگین پوستان است.

طبق نظرسنجی گالوپ که در سال ۲۰۰۸ انجام شده، نتیجه گرفته که بیش از سه چهارم سیاهپوست ها معتقدند که در آمریکا نژادپرستی علیه سیاهان وجود دارد. البته بایستی توجه داشته که همه ی این تبعیض ها نتیجه ی مستقیم برنامه های

دولت نیست بلکه بیشترین دلایل آن به احساسات نژادپرستانه ی مردم سفید پوست بر می گردد که ریشه در فرهنگ خود برتر بینی آنها دارد.

کو کلاکس کلان، نماد نژاد پرستی در آمریکا

کو کلاکس کلان، نژادپرست ترین سازمان در آمریکاست که تاکنون جنایت های بسیار زیادی را در آمریکا علیه نژادها و پیروان ادیان دیگر مرتکب شده است. این گروه ائتلافی از سه جنبش افراط گرایی در آمریکا است که بر تفوق و برتری نژاد



سفید، ملی گرایی سفید و دیدگاه های ضد مهاجرت تاکید دارند و

حتی در تاریخ خود سوابقی از اقدامات ضد کاتولیک و ضد اسلامی هم داشته اند. این گروه حتی از ابزارهای تروریستی برای حذف اقلیت های نژادی و دینی نیز بهره گرفته اند. در حال حاضر در رسانه های آمریکا از این گروه با عنوان سازمان های راست افراطی نام برده می شود. عضویت در این سازمان ها محرمانه است و اطلاعات دقیقی درباره این که چه تعداد آمریکایی در این سازمان عضویت دارند، موجود نیست.

این گروه در ۲۴ دسامبر سال ۱۸۶۵ در خلال جنگ های شمال و جنوب در تنسی اعلام موجودیت کرد اما در اواخر دهه ۱۸۷۰ دیگر نشانه های آن نبود. این گروه برای بار دوم در سال ۱۹۱۵ احیا شد و تا اواسط دهه ۱۹۲۰ در سراسر آمریکا دیدگاه های این گروه رواج پیدا کرد. این گروه بعد از پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری، جان تازه ای گرفت و فعالیت این گروه در دو سال اخیر در قالب تظاهرات خشونت آمیز و اقدامات به ظاهر ملی گرایانه با شعارهای برتری نژاد سفید تشدید شده است. حتی برخی شعار ترامپ با عنوان "آمریکا اول" را یکی از شعارهای الهام گرفته از جنبش کو کلاکس کلان می دانند. بویژه اینکه پارچه نوشته های این شعار در بسیاری از تظاهرات گروه های نژادپرستانه دیده می شود. تصویر زیر یکی از تظاهرات کو کلاکس کلان در سال ۱۹۲۰ را نشان می دهد که بر روی پارچه نوشته های آن آمریکا اول آمده است.

دیدگاه نخبگان در مورد تبعیض نژادی آمریکا

یائو جیده استاد دانشگاه "یونن"

استاد دانشگاه "یونن" چین، بررسی کارنامه سیاه استعمارگران آمریکایی سفید پوست در ۲۴۴ سال گذشته مملو از جنایات متعدد از جمله کشتار سرخپوستان بومی آمریکا، فروش برده های سیاه، گسترش جنگ جهانی دوم، راه اندازی جنگ سرد، حمایت از تروریسم دولتی، حمایت از رژیم صهیونیستی و ظلم به ملت فلسطین در تازه ترین مورد هم حمایت از داعش است. پروفیسور یائو با اشاره به اینکه سازمان های وابسته به این کشور همچنین در سال های گذشته مرتکب جنایات جنگی جدی علیه بشریت در عراق، افغانستان، سوریه و لیبی شده اند افزود: در اپیدمی شیوع ویروس کرونا نیز که جهان را درگیر کرده است آمریکایی ها همچنان چوب تحریم های اقتصادی علیه ایران، کوبا و ونزوئلا و سایر کشورهای درگیر با کرونا را در دست دارند.

جامعه جهانی باید عملکردهای زشت نژادپرستانه دولت آمریکا را افشا و از هنجارهای اساسی مبتنی بر منشور سازمان ملل متحد حمایت کند. سازمان های بین المللی باید جرات سخن گفتن، مبارزه کردن و محافظت از اصول مشترک بشر را فراهم کنند و از حقوق اساسی و عزت کشورها و ملت ها در برابر ظلم و بی عدالتی آمریکا پاسداری کنند.

با توجه اینکه ایالات متحده با اعتراضات ضد نژادپرستی که کشور را فرا گرفته و همبستگی مردم سراسر جهان را برانگیخته است با معیارهای دو گانه و چند گانه برخورد کرده است گفت: برخورد واشنگتن با معترضان به تبعیض نژادی فرصتی فراهم کرده است تا جهان چهره واقعی و ریاکارانه مدافع حقوق بشر جهان را ببیند. شیوع سوء استفاده از قدرت توسط افسران پلیس سفید در ایالات متحده که منجر به مرگ شهروند سیاه پوست بیگناه شد تازه ترین مورد نقض حقوق بشر است که توسط دولت آمریکا ثبت شده است.

علی بیگدلی استاد دانشگاه و کارشناس مسائل آمریکا

در طول تاریخ آمریکا پویش های بسیاری علیه تبعیض نژادی شکل گرفت که به خاک و خون کشیده شد و حتی کسی مثل مارتین لوتر کینگ به عنوان رهبر برجسته سیاه پوستان ترور شد. و تبعیض نژادی یک مسئله سازمان یافته و ریشه دار در آمریکا است. مرگ جورج فلویید مثل کبریت بر انبار باروت بود، دلیل این که این بار مرگ جرج فلویید منجر به چنین اعتراضاتی شده انباشت نارضایتی است، نارضایتی ای که دیگر منحصر به سیاه پوستان نیست. امروز سفید پوست ها هم نسبت به حکمرانی اقلیتی ثروتمند به اکثریتی فقیر، معترض هستند و دنبال بهانه ای برای اعتراض خود نسبت به این سیستم بودند و دنبال سیل سیاه پوستان راه افتادند.

الد سی فننکو استاد داند شکده سیاست های جهانی دانشگاه دولتی مسکو (ام.گ.او)

اعتراض های گسترده کنونی پیامد دهها سال تبعیض نژادی در آمریکا و انباشته شدن مسائل در این عرصه است. فننکو معتقد است که زمینه برای اعتراض ها در آمریکا از مدتها پیش فراهم شده بود و قتل جورج فلویید تنها جرقه ای برای آتش زدن خشم مردم بود. ریشه های اعتراض ها به سال های دهه ۷۰ میلادی بازمیگردد زمانی که در آمریکا باقی مانده محدودیت های نژادی از بین رفت.

فننکو معتقد است که قدرت گرفتن جامعه سیاه پوس در آمریکا، مساله ای غیر قابل تحمل برای سفید پوستان است. وی بر این باور است که شماری از مهاجران از کشورهای آمریکای لاتین و محافظه کاران و برخی از کاتولیک ها نیز به جریان نژادپرستانه سفیدپوستها ملحق شده و دارای دیدگاه های ضد سیاه پوستان بودند. دیر یا زود این مسائل نژادی منفجر می شد و از زمان حکومت باراک اوباما شاهد بودیم که این اعتراض ها در حال گسترش است. آمریکا که سالها در کشورهای دیگر انقلاب های رنگی برپا کرده و حکومت های مخالف خود را سرنگون کرده است همینک خود به این وضعیت گرفتار شده است.



اعتراض جهان به تبعیض نژادی در امریکا

در ادامه اعتراضات به تبعیض نژادی در آمریکا، ده‌ها هزار نفر در فرانسه، انگلیس، استرالیا، آلمان، کانادا، بلژیک و کشورهای دیگر در حمایت از اعتراضات علیه تبعیض نژادی به خیابان‌ها



آمدند. مردم از لندن گرفته تا توکیو و سیدنی و مونترال به خیابان آمدند و خواستار اصلاح قوانین پلیس و برابری نژادی در کشورهای خود شدند. این اعتراضات در حداقل ۴۰ کشور دنیا و تمام قاره‌ها به جز قطب جنوب برپا شده است. این اعتراضات در بحبوحه همه‌گیری بیماری کووید-۱۹ برگزار می‌شوند، در حالی که در بخش‌هایی از دنیا به مردم اکیداً توصیه شده از تجمع خودداری کنند و در بخش‌هایی نیز تجمع مردم غیرقانونی اعلام شده است.

در لندن، معترضان در بیرون سفارت آمریکا تجمع کردند. در آلمان، بیش از ۱۵۰ هزار نفر روز در «راهپیمایی‌های خاموش» شرکت کردند. شرکت‌کنندگان در آلمان شعار «نازی‌ها خارج شوید» سر دادند. در رم، معترضان به پوشش‌های راست افراطی ضد مهاجران و صناعی که به گفته آنها از مشاغل غیرقانونی سوءاستفاده می‌کنند، اشاره کردند. بر روی پلاکاردی که سارا ماتی دانشجوی ۲۲ ساله با خود حمل می‌کرد نوشته شده بود: «ایتالیا بی‌گناه نیست».

مرگ فلوریدا الهام‌بخش راهپیمایی‌هایی از استرالیا گرفته تا برزیل و مکزیک و کانادا بوده است. اما این رویداد در اروپا به شکل خاصی طنین‌انداز شده است. در آنجا، رهبران طی هفت سال گذشته در راستای ادغام موجی از مهاجران و پناهجویان از آفریقا و خاورمیانه به زحمت افتاده‌اند. یک سوم از

آفریقایی‌تباران ساکن اروپا از مواجهه با آزار و اذیت‌های نژادی خبر می‌دهند.

مجسمه‌های نژادپرستانه‌ای که سرنگون می‌شوند

در شهر بریستول انگلیس، معترضان مجسمه یک تاجر برده مربوط به قرن هفدهم را به پایین کشیدند و بدین طریق خشم و عصبانیت خود را نسبت به پیشینه استعماری کشورشان ابراز داشتند. تظاهرکنندگان مجسمه ادوارد کالستون را طناب‌پیچ کردند و آن را در میان فریاد شادی و تحسین معترضان پایین کشیدند. در تصاویر منتشره در رسانه‌های اجتماعی دیده می‌شود که معترضان زانوی خود را بر گردن مجسمه گذاشته‌اند که این حرکت یادآور مرگ فلوریدا در ایالت مینه‌سوتا در روز ۲۵ مه است، رویدادی که به اعتراضات در سرتاسر دنیا ضد نژادپرستی و وحشیگری پلیس دامن زد. مجسمه را در نهایت به سمت بندرگاه شهر غلتانیدند و به آب انداختند.

در شهر بروکسل، بر اساس ویدئوهای منتشره در رسانه‌های اجتماعی، معترضان از مجسمه لئوپولد دوم پادشاه سابق بلژیک بالا رفتند و شعار «گرامت» سر دادند. واژه «شرم» نیز بر روی مجسمه نوشته شد. این اقدام ظاهراً اشاره‌ای بود به سخنان لئوپولد مبنی بر اینکه در طول دوران حکومت خود بیش از ۱۰ میلیون نفر از مردم بومی کنگو را کشته است.

اعتراضات به تبعیض نژادی در انگلیس

در لندن، هزاران نفر از مردم برای دومین روز پیاپی در اطراف سفارت آمریکا تجمع کردند، اما در عین حال این نکته را روشن ساختند که پیامشان صرفاً متوجه آمریکا نیست. داریس بورن دانشجوی ساکن لندن در این باره اظهار داشت: همه می‌دانند که این اعتراضات فقط در ارتباط با جورج فلوریدا و آمریکا نیست و نژادپرستی در سرتاسر دنیا را شامل می‌شود. معترضان که بسیاریشان در راستای محافظت از خود برابر ویروس کرونا ماسک به صورت داشتند، به گفته داریس «اکنون که سرکار نمی‌روند از فرصت استفاده کرده‌اند تا با یکدیگر متحد شوند و تغییر به وجود بیاورند، زیرا اوضاع از دیرباز به همین منوال بوده است».

فرزندان مهاجران آفریقایی تبار بودند. برگزار کنندگان مراسم خطاب به شرکت کنندگان گفتند که در ایتالیا شعار «جان



سیاهپوستان ارزش دارد» به معنای «اجتناب از خارجی انگاشتن سیاهپوستان» است. یکی از معترضان مقوایی در دست داشت که بر روی آن به انگلیسی نوشته شده بود: «من به خاطر بچه‌هایم می‌جنگم. یکی از سخنرانان خطاب به جمعیت گفت در ایتالیا شعار «جان سیاهپوستان ارزش دارد» به معنای عدم تأخیر در انجام اصلاحات مقننه‌ای با هدف کسب آسان‌تر شهروندی است.

خارجی‌های متولد ایتالیا به صورت خودکار واجد شرایط شهروندی نمی‌شوند و باید تا ۱۸ سالگی صبر کنند و در تمام طول این مدت ساکن ایتالیا باشند. طی سال‌های اخیر، تلاش‌هایی صورت گرفته با هدف تصویب قانونی که به کودکان خارجی متولد ایتالیا اجازه می‌دهد در صورتی که در این کشور به مدرسه می‌روند در همان سنین کودکی شهروند ایتالیا شوند. اما این تلاش‌ها راه به جایی نبرده‌اند. والدین این کودکان گلایه می‌کنند که فرزندان‌شان اگرچه هویت ایتالیایی دارند و زبان ایتالیایی را سلیس و روان صحبت می‌کنند، اما شهروند درجه دو انگاشته می‌شوند.

اعتراضات به تبعیض نژادی در اسپانیا

در اسپانیا، چند هزار نفر از معترضین در خیابان‌های شهر بارسلون و در محل سفارت آمریکا در مادرید تجمع کردند. بسیاری از معترضان در مادرید پلاکاردهایی در دست داشتند که بر روی آنها نوشته شده بود «جان سیاهپوستان مهم است»، «حقوق بشر برای همه»، و «سکوت به معنای حمایت از نژادپرستی است. تیمبو سامب سخنگوی گروهی که اعتراضات

در پی زدوخورد ها در قالب یک راهپیمایی دیگر در مرکز لندن در روز شنبه که به زخمی شدن ۱۴ مأمور پلیس انجامید، این نگرانی به وجود آمد که راهپیمایی به خشونت کشیده شود. صدها نفر از معترضان به محلی که روز شنبه شاهد زود و خورد بود بازگشتند. پلیس موانعی در مقابل دروازه ورودی خیابان داویننگ استریت و دفتر بوریس جانسون نخست‌وزیر انگلیس ایجاد نمود. اعتراضات به نظر از نظم و ترتیب برخوردار بود، اما گهگاه تظاهر کنندگان به پلیس اعتراض می‌کردند. صدها نفر از مردم نیز در میدانی در مرکز منچستر تجمع کردند و در سکوت و آرامش به احترام جورج فلویید بر زمین زانو زدند.

اعتراضات به تبعیض نژادی در ایتالیا

راهپیمایی در میدان مردم شهر رم به شکل مسالمت‌آمیز اما توأم با سروصدا برگزار شد. اکثر معترضان در راستای محافظت از خود در برابر ویروس کرونا ماسک به صورت زده بودند. شرکت کنندگان به سخنرانان مراسم گوش سپردند و



پلاکاردهایی در دست داشتند که بر روی آنها نوشته شده بود «جان سیاهپوستان ارزش دارد» و «این مشکل سفیدپوستان است. در مقطعی، معترضان که اکثراً جوان بودند و برخی فرزندان یا خواهر و برادرشان را به همراه داشتند بر روی زمین زانو زدند و مشت‌های خود را بالا بردند تا بدین طریق با کسانی که با نژادپرستی و وحشیگری پلیس مبارزه می‌کنند، اعلام همبستگی کنند.

در شهر میلان پایتخت اقتصادی ایتالیا، چند هزار نفر از معترضان عصر یکشنبه در میدانی در خارج از ایستگاه قطار مرکزی شهر تجمع کردند. بسیاری از آنها از مهاجران یا

را در اسپانیا از طریق رسانه‌های مجازی ترتیب داده بود در این خصوص اظهار داشت: ما اینکار را صرفاً برای برادرمان جورج فلویید انجام نمی‌دهیم. اینجا در اروپا، در اسپانیا، جایی که زندگی می‌کنیم، کار می‌کنیم، می‌خواهیم، و مالیات می‌دهیم نیز با نژادپرستی مواجهیم.

❖ اعتراضات به تبعیض نژادی در آسیا

اعتراضات در اروپا دنباله‌رو راهپیمایی‌هایی بودند که روز در آسیا و استرالیا برگزار شدند. در شهر سیدنی، درخواست معترضان مبنی بر لغو حکم صادره در روز جمعه مبنی بر غیرقانونی بودن راهپیمایی‌شان در دقایق آخر پذیرفته شد. دادگاه تجدیدنظر نیوساوت ولز درست ۱۲ دقیقه قبل از برگزاری راهپیمایی از خود چراغ سبز نشان داد. این بدان معنا بود که شرکت کنندگان در راهپیمایی بازداشت نمی‌شدند. حدود ۱۰۰۰ نفر پیشاپیش حکم دادگاه در منطقه تاون‌هال شهر سیدنی گردهم جمع شده بودند. در شهر بریزبن مرکز ایالت کوئینزلند، برگزارکنندگان گفتند ۳۰۰۰ نفر در راهپیمایی شرکت کرده‌اند. لیان انوچ وزیر محیط‌زیست این ایالت اهالی کوئینزلند را تشویق کرد تا به سخن بیایند. وی گفت: فرقی نمی‌کند آمریکا باشد یا اینجا در استرالیا، جان سیاهپوستان مهم است. جان سیاهپوستان امروز مهم است. جان سیاهپوستان هر روز مهم است.

در شهر سئول پایتخت کره جنوبی، معترضان برای دومین روز پیاپی گردهم جمع شدند تا مرگ فلویید را محکوم کنند. ده‌ها نفر از معترضان که لباس مشکی بر تن و ماسک به صورت داشتند با بدرقه پلیس در یکی از مناطق تجاری پلیس راهپیمایی کردند و پلاکاردهایی در دست داشتند که بر روی آنها نوشته شده بود: «آرام بخواب جورج فلویید» و «کره‌ای‌ها در حمایت از جان سیاهپوستان مهم است. در تو کیوی ژاپن نیز، ده‌ها نفر اقدام به اعتراض آرام زدند.

اعتراضات به تبعیض نژادی در آمریکا

در آمریکای لاتین نیز صدها نفر از مردم برزیل علیه تبعیض نژادی و سیاست‌های ژانیر بولسونارو رییس جمهوری

این کشور تظاهرات کردند. معترضان در این تظاهرات شعارهایی همچون "همه ما در مسیر دموکراسی"، "علیه تبعیض نژادی و فاشیسم" و "تروریسم سیاست ویران‌گر دولت بولسونارو" سر دادند. همچنین شمار دیگری از معترضان با هدف گرامی داشت یاد جورج فلویید سیاهپوست آمریکایی که توسط پلیس این کشور کشته شد، لباس و ماسک‌های مشکی بر تن داشتند. معترضان همچنین در این تظاهرات علیه سیاست‌های تبعیض نژادی دولت بولسونارو، مدیریت او ضاع کروناوی و خشونت علیه زنان دست به تظاهرات زدند. در شهر ریودوژانیرو نیز گردهمایی اعتراضی علیه دولت برگزار شد.

مردم شهر ونکوور در کانادا در اعتراض به اقدامات نژادپرستانه پلیس آمریکا تظاهرات کردند. معترضان با در دست داشتن پلاکارد و سر دادن شعار اعتراض خود را به اقدامات نژادپرستانه پلیس آمریکا ضد سیاه‌پوستان و همچنین اقدامات نژادپرستانه در کانادا نشان دادند. بر روی برخی از پلاکاردها نوشته شده بود: کشتار برادران و خواهران ما را متوقف کنید. زندگی سیاه‌پوستان مهم است. سکوت سفیدپوستان سبب خشونت بیشتر می‌شود. نژادپرستی ضد مهاجران در کانادا باید متوقف شود.

در خود آمریکا نیز در ادامه تظاهرات گسترده در این کشور صدها هزار نفر در ایالت‌های مختلف آمریکا برای دومین هفته پیاپی راهی خیابان‌ها شدند تا صدای اعتراض خود را به رفتارهای نژادپرستانه در این کشور به گوش جهانیان برسانند. مجموعه تظاهراتی که روز شنبه و یکشنبه در ایالات متحده برپا شد یکی از گسترده‌ترین اعتراض‌های مردمی به خشونت پلیس و نژادپرستی نهادینه در این کشور بود که پس از مرگ جنجال‌برانگیز جورج فلویید صورت گرفت.

دیدگاه هنرمندان هالیوودی

در پی اقدام وحشیانه پلیس آمریکا در بازداشت و قتل سیاه‌پوست آمریکایی، برخی از هنرمندان و سینماگران هالیوودی نسبت به این اقدام وحشیانه پلیس آمریکا واکنش نشان دادند. در هفته قبل با انتشار ویدئویی از صحنه بازداشت مردی به نام «جورج فلویید» آمریکایی آفریقایی تبار که در آن پلیس

پای خود را روی گردن او گذاشت و با فشار وی را دچار خفگی و قتل کرد بسیاری از چهره‌های مطرح جهان ابراز خشم کردند. در این ویدئو این مرد سیاه‌پوست فریاد می‌زند که نمی‌تواند نفس بکشد. ایوا دوورنی کارگردان فیلم ضد تبعیض نژادی «سلما» در صفحه شخصی توئیتر خود در این باره نوشت:



«تو استحقاق نفس کشیدن، احترام و زندگی داشتی و اینکه در خیابان به دست پلیس سفیدپوستی که گردنت را با زانویش می‌فشارد به قتل نرسی. لیاقت تو اشک ما است، دعای ما، خشم ما، و عمل ما. ما باید دست به عمل بزنیم به خاطر تو و همه آن‌هایی که دورینی برای ضبط شکنجه‌های‌شان وجود ندارد. باید اقدام کنیم.»

این کارگردان هالیوودی سال گذشته سریال «وقتی ما را می‌بینند» را در شبکه نت‌فلیکس عرضه کرد. این مجموعه در مورد بی‌عدالتی‌ها و تبعیض نژادی نظام قضایی آمریکا بود. از دیگر چهره‌های سینمایی غرب باید از «جان بویه‌گا» بازیگر «جنگ ستارگان» گفت که نوشت: «از نژادپرستان لعنتی متنفرم. چقدر غم‌انگیز است شنیدن در مورد چرخه ادامه‌دار خشونت علیه سیاه‌پوستان توسط پلیس‌های نژادپرست.» او در توئیتر جنجالی دیگری نوشته است: «من از نژادپرستی سفیدپوستان علیه سیاهان حرف می‌زنم. آن نوع تبعیض نژادی که دنیا را تباه کرده نه آن نوع نژادپرستی که موجب قطع رابطه با دوست دخترتان می‌شود.» وقتی یکی از کاربران به او توصیه کرد که



«از نژادپرستی متنفر باش نه نژادپرست.» او پاسخ داد: «دوست من ساکت شو. وایولا دیویس» بازیگر

سیاه‌پوست فیلم «خدمتکار» می‌نویسد: «سیاه‌پوست بودن در آمریکا یعنی این.»

مدونا خواننده پاپ با به اشتراک گذاری ویدیوی کامل بازداشت فلویید پیمای طولانی به نگارش در آورد و خواستار اعمال قانون علیه خشونت پلیس شد. او در آغاز می‌نویسد: «پلیسی که جورج فلویید بی‌پناه و دست‌بند به دست را با زانو خفه می‌کند، در حالی که برای حفظ جان‌ش فریاد می‌زند و صورت روی زمین قرار گرفته، تهوع‌آورترین چیزی است که دیده‌ام.»

«دیو باتیستا» ستاره فیلم‌های مارول نیز در این باره می‌گوید: «سخت است که مبارز باشی اما توانی مبارزه کنی و ندانی که چه باید کرد، چگونه باید جنگید، چگونه باید کمک کرد.» او در ادامه نوشته است: «نمی‌خواهم در طرف ناحق تاریخ ایستاده باشم، نمی‌خواهم نظاره‌گر باشم... مدتی نه چندان دور شرایط بسیار بد شد و من گفتم که باید یک طرف لعنتی را انتخاب کرد و برایش جنگید. چیزی که بیش از هر چیز مرا به هم می‌ریزد این است، همه باید با این کار مشکل داشته باشند... همه سفیدپوستان، همه سیاهان، همه تیره‌پوستان، همه ی زردپوستان. هر انسانی باید با این کار مشکل داشته باشد.»

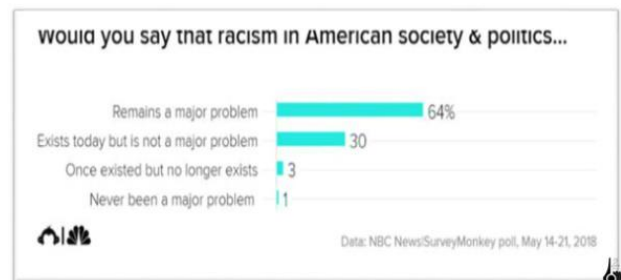
در هالیوودی سالانه فیلم‌ها و سریال‌هایی درباره خشونت و تبعیض نژادی درباره ستم‌های آمریکا نسبت به سیاهان ساخته می‌شود که نشان از خشم و نگرانی آنان نسبت به این اتفاقات تلخ دارد اما اصلاح و تغییر خاصی در این کشور رخ نمی‌دهد.

نژادپرستی یک چالش اجتماعی مهم در آمریکا

آخرین نظرسنجی ان بی سی نیوز در آوریل ۲۰۱۸ حاکی از این است که بیش از ۶۴ درصد مردم آمریکا نژادپرستی را همچنان یک مسئله بزرگ اقتصادی و اجتماعی در این کشور می‌دانند.

یکی از مهمترین پیامدهای نژادپرستی در آمریکا، دو قطبی شدن جامعه است. بویژه اینکه برخی از سفیدپوستان آمریکایی بعد از پیروزی ترامپ بر منحصر به فرد بودن خودشان اعتقاد بیشتری پیدا کرده‌اند و همین مسئله نژادپرستی و تبعیض در این

کشور را بیشتر کرده است. حتی نوع تفکر و زاویه دید اقلیت های نژادی بویژه سیاهپوستان درباره این مسئله با سفیدپوستان تفاوت دارد. به عنوان مثال در حالی که ۸۷ درصد سیاهپوستان



فکر می کنند در آمریکا با تبعیض نژادی مواجه هستند فقط ۴۹ درصد از سفیدپوستان، چنین دیدگاهی را قبول دارند. در پاسخ به این سؤال که به نظر شما، پیش داورها درباره اقلیت های نژادی در آمریکا چقدر جدی است، نیز سفیدان و غیرسفیدپوستان به یک گونه فکر نمی کنند.

ترامپ و مسئله نژادپرستی

در سال ۱۹۷۳، وزارت دادگستری آمریکا، پرونده ای علیه ترامپ و شرکتش را مطرح کرد. در این پرونده ترامپ متهم به

تبعیض میان مستاجران

سیاه پوست و

سفیدپوست شد. ترامپ

در آن زمان، صاحب یک



شرکت املاک و مستغلات بود و رسماً اعلام کرده بود: برای سیاهان خانه نداریم در سال ۲۰۱۱، او با مطرح کردن نظریه توهم محل توطئه، به باراک اوباما تاخت و اعلام کرد که او در آمریکا به دنیا نیامده است. دونالد ترامپ از همان شروع کمپین انتخاباتی خود در سال ۲۰۱۵ یکی از شکاف هایی را که هدفمند فعال نمود تاکید بر خطر مهاجرین برای جامعه آمریکا بود. روند مهاجرها سی ابتدا شامل مهاجران مکزیک تبار شد سپس شامل فرمان ممنوعیت ورود کشورهای اکثریت مسلمان آفریقایی - آسیایی شد. این شعارها و اعمال به جریانات

ضدمهاجر و نژادپرست در جامعه آمریکا جان تازه ای بخشید. در سال ۲۰۱۷ در "شارلوتزویل" ایالت "ویرجینیا" در تعارض و درگیری نژادپرستان سفیدبرترپندار با مخالفان، ترامپ با محکوم کردن هر دو گروه و بیان اینکه دلیل برخورد خشن نژادپرستان با مخالفان، رفتار بد مخالفان نژادپرستی هم بوده سبب چنان مخالفت هایی در فضای سیاسی آمریکا شد که حتی صدای جمهوریخواهان هم در نقد سخنان ترامپ درآمد و این سبب عذرخواهی دیر هنگام ترامپ شد. او همچنین در سال ۲۰۱۸، در نشستی در اتاق بیضی کاخ سفید درباره مهاجرت، کشورهای نظیر السالوادور، هائیتی و برخی کشورهای آفریقایی را چاه توال نامید.

در دو سال گذشته باز سخنان غیرمستقیم نژادگرایانه از دونالد ترامپ شنیده شد تاجایی که او یکبار اشاره کرد که ما باید کاری کنیم که از کشورهایی چون نروژ به کشور ما مهاجرت کنند نه اینکه از کشورهای که مستراحند؛ و اشاره غیرمستقیم او به هائیتی و ال سالوادور و برخی کشورهای آفریقایی بود. در سخنان مهم دیگر در سال ۲۰۱۹ به چهار زن تحول خواه کنگره با تبار سومالیایی و فلسطینی و لاتین تبار تاخت و با مسخره کردن لهجه آنها مدعی شد که آنها نباید با رای مردم آمریکا به کنگره راه می یافتند و مردم باید در دوره دیگر کنگره به آنها رای ندهند. همه اینها در کنار ادبیات غیرمحترمانه اولیه ترامپ به شلوغی های ابتدایی پس از مرگ "جورج فلویید" فضا را برای تنش بیشتر آماده ساخت. مرور آمار مرگ و میر کرونا نیز نشان می دهد که بیش از ۶۰ درصد جانباختگان ایالت های درگیر کرونا از سیاهپوستان آمریکا بوده اند؛ در حالی که سیاه پوستان کمتر از ۱۵ درصد کل جمعیت آمریکا هستند؛ و این خود نشان از ضعف بیشتر سیاهپوستان در دسترسی به امکانات بهداشتی و درمانی و اقتصادی دارد که خود می تواند

تایید کننده هر چه بیشتر جایگاه فعلی آنها در ایالات متحده باشد.

افزایش اختلافات بین پنتاگون و کاخ سفید

افزایش اختلافات ترامپ با فرماندهان نظامی آمریکا حتی درباره اعتراضات اخیر یکی از موضوعات مورد توجه رسانه‌ها در روزهای گذشته بوده است. جایگاه «مارک اسپر» وزیر دفاع این کشور در پی مخالفت وی با خواسته دونالد ترامپ مبنی بر استفاده از نیروهای ارتش آمریکا برای سرکوب معترضان به قتل جرج فلویید توسط پلیس، به خطر افتاده است. اسپر بامداد پنجشنبه در اقدامی برخلاف نظر ترامپ با استناد به قانونی خاص با استفاده از نیروهای ارتش برای سرکوب اعتراضات سراسری در این کشور مخالفت کرد. وزیر دفاع آمریکا در این باره گفت با تو سل به قانون موسوم به قانون «خیزش ۱۸۰۷» برای فرونشاندن اعتراضات مخالف است. این قانون به رئیس‌جمهور ایالات متحده اختیار می‌دهد در شرایط خاص دستور استقرار نیروهای ارتش و گارد ملی برای سرکوب ناآرامی‌های مدنی، خیزش‌ها یا شورش‌ها را بدهد.

سخنگوی کاخ سفید تلویحا وی را به دلیل مخالفت با روش ترجیحی «دونالد ترامپ» برای سرکوب تظاهرات‌ها در آمریکا به برکناری تهدید کرد. سخنگوی کاخ سفید گفت: «وزیر دفاع در سمتش باقی است اما اگر رئیس‌جمهور اعتمادش به او را از دست بدهد شما را در جریان قرار خواهیم داد». در پی این اظهار نظر، رسانه‌های آمریکا گزارش دادند مارک اسپر، وزیر دفاع آمریکا دستور چند ساعت قبل تر خود برای بازگرداندن نیروهای ارتش از شهر واشنگتن به پادگان‌ها را پس گرفت. پس از این کشمکش‌ها بود که دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا گفت تصور نمی‌کند نیازی به ارسال نیروهای ارتش به شهرهای آمریکا برای مقابله با اعتراضات باشد. ترامپ در

مصاحبه با پایگاه نیوزمکس، در پاسخ به سوالی درباره اینکه آیا ضرورتی برای ارسال نیروهای ارتش برای مقابله با اعتراضات وجود دارد یا خیر، گفت: بستگی دارد! فکر نمی‌کنم مجبور شویم چنین کاری کنیم. از اختیارات قدرتمندی برای انجام این کار برخورداریم. رئیس‌جمهور آمریکا در ادامه گفت: [استفاده از] گارد ملی مرسوم است و گارد ملی ما بسیار قوی است. درباره اینکه آیا از این هم فراتر خواهیم رفت باید بگویم مطمئناً در صورتی که نیاز شود بله. در همین حال، پنجشنبه شب سخنگوی کاخ سفید احتمال استفاده از نظامیان ارتش برای سرکوب اعتراضات آمریکا را رد نکرد. این سخنگو در پاسخ به سوالی درباره احتمال استفاده از نظامیان ارتش برای سرکوب اعتراضات آمریکا گفت: برای ترامپ همه گزینه‌ها روی میز است.

به نظر می‌رسد رابطه وزیر دفاع و رئیس‌جمهور که پیش از این تحت تاثیر برخی اختلاف‌نظرها تیره شده بود به ناهماهنگ‌ترین شکل خود رسیده است و احتمال جابه‌جایی در پنتاگون بیشتر از هر زمان دیگری است. یک منبع آگاه در کاخ سفید به سی‌ان‌ان گفته است پیش از این تنش‌هایی بین مارک اسپر و دونالد ترامپ به دلیل اینکه ترامپ برای وزیر دفاع یعنی بالاترین مقام نظامی کابینه خود هیچ احترامی قائل نیست، وجود داشته است. به گفته این منبع آگاه که سی‌ان‌ان نامش را فاش نکرده است، مارک اسپر تاثیر بسیار کمی در تصمیم‌گیری‌ها داشته و لزوماً دنباله‌رو «مایک پمپئو» وزیر خارجه بوده است و قطعاً اظهارات وی در نشست خبری اخیر اوضاع را بدتر خواهد کرد.

فرجام سخن

حق داشتن یک زندگی صلح آمیز، حق طبیعی همه انسان ها است و به طور کلی حق بر صلح از حقوق فطری و شناخته شده حقوقی در جهان است که حتی به صراحت در منشور ملل متحد و سایر رویه های حقوقی بین المللی مورد توجه جدی قرار نگرفته است، این حق تبعیض پذیر و قابل تفسیر بر اساس جغرافیا نیست، بلکه یک موضوع جهانی و همگانی است و تمامی اقشار جامعه در همه کشورها به آن نیاز دارند.

نژادپرستی در آمریکا مقوله ای نهادینه شده و ساختاری است و حتی اگر یک سیاهپوست هم در این کشور رئیس جمهور شود، این مقوله پایان نمی یابد. نظام آموزشی، نظام بهداشتی، دستگاه قضایی، پلیس، سرویس های امنیتی و نهادهای اجرایی به صورت نهادینه نژادپرست هستند و به برتری نژاد سفید انگلوساکسون پروتستان اعتقاد دارند. حوادث اخیر، نخستین بار نیست که مظاهر بی قانونی و خشونت غیر قابل توجیه از سوی "مأمورین اجرای قانون" در ایالات متحده را نشان می دهد و چنین جنایاتی آشکار و بزرگی، مرتباً توسط نیروهای پلیس آمریکا انجام می شود.

ادعا و منطق حقوق بشر آمریکایی امروز بیش از هر زمان دیگری مضحک تر شده تا جایی که حتی اجازه نفس کشیدن به شهروندان رنگین پوست خود را نمی دهد و مردمی که به این موضوع اعتراض دارند را به کشتن و سرکوب تهدید می کند. مواضع نژادپرستانه شدید ترامپ

باعث تشدید روحیات افراطی گری در جامعه آمریکا شده است. مواضع حمایتی ترامپ از نژادپرست ها و افراط گرایان باعث جسور شدن آمریکایی های سفیدپوست و افزایش تجاوز آنها به حقوق سیاهپوستان و رنگینپوستان شده است. این بار نظاره گر مرگ جورج فلویید یاد آور حادثه مشابه دیگری در سال ۲۰۱۴ است. در آن زمان پلیس نیویورک جوان سیاه پوست دیگری با نام اریک گارنر را در حین دستگیری خفه کرد که این تراژدی تکراری و غمبار سیاهپوستان آمریکا است. تبعیض علیه سیاهپوستان، نابرابری اقتصادی، اجتماعی و عدم تناسب در دریافت خدمات درمانی برای سیاهپوستان در تاریخ این کشور بسیار طولانی می باشد و جهان شاهد این نقض فاحش در آمریکا می باشد. باید بر این نکته اذعان داشت که قتل شهروند سیاهپوست توسط پلیس در آمریکا نقض آشکار حقوق بشر است و در تناقض با قواعد بنیادین، عام الشمول و آمره بین المللی است و برای دولت آمریکا در عرصه بین المللی مسئولیت آور است. این نگاه نژاد پرستانه نه تنها برای تمامی شهروندان آمریکایی تهدید جدی است بلکه برای تمامی مردم دنیا یک تهدید بین المللی محسوب می شود و بر همین اساس باید تمامی نهادها و سازمان های حقوق بشری در جهان نسبت به این رخداد نگاه جدی تر، موثر و عمل گرایانه داشته باشند.